

تاثیر محافظه کاری حسابرس و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی

محمدعلی میرزاحمدی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
ali.acc313@gmail.com

معصومه علاچی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.
m.alajzi6518@gmail.com

لیلا محمدی امین

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی دانشوران، تبریز، ایران.
mohamadi.leila87@gmail.com

شماره ۲۳ / بهار ۱۳۹۹ (جلد سوم) / صص ۱-۱۵
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر محافظه کاری حسابرس و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که به روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۱۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره‌ی زمانی ۵ ساله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. برای اندازه‌گیری متغیر مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده استفاده گردید. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اجرای آزمون‌ها و تخمین نهایی مدل‌ها از نرم افزار استاتا نسخه ۱۵ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محافظه کاری حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر ندارد. رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر منفی دارد. یعنی در شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط موسسات رتبه برتر انجام شده است مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی کمتری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، رتبه بندی موسسات حسابرسی، محافظه کاری حسابرس.

مقدمه

رویکرد اطلاعاتی مدیریت سود بیان می‌دارد که انتخاب‌های حسابداری برای آشکارسازی انتظارات مدیریت درباره عملکرد آتی شرکت بکار می‌رود. مطالعات قبلی نشان داده است که ارقام تعهدی، اطلاعات داخلی مدیریت را آشکار می‌سازد (آریا، گلور و ساندر^۱، ۲۰۰۳. لویز و رایبسون^۲، ۲۰۰۸). به‌عنوان مثال، در مورد شرکت‌هایی که تحت شرایط عدم اطمینان عملیاتی زیاد فعالیت می‌کنند، منطقی است که انتظار داشته باشیم مدیران آن‌ها از ارقام تعهدی به‌منظور کاهش نوسان سود استفاده نمایند تا اطلاعات داخلی خود را درباره عملکرد شرکت طی یک دوره منتقل سازند. در حقیقت

¹ Arya & Glover & Sunder

² Louis & Robinson

مدیران ممکن است سودها را برای انتقال علامتی از ثبات سودآوری به سرمایه‌گذاران هموار سازند. قوش و اولسن^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان دادند که مدیران به هنگام فعالیت شرکت در یک محیط با عدم اطمینان بالا از اقلام تعهدی برای کاهش نوسان در سود گزارش شده استفاده می‌نمایند. مدیریت سود را می‌توان روشی برای اطلاع رسانی وضعیت مالی شرکت‌ها به سهامداران دانست که از طریق دخالت مدیریت در فرآیند تعیین سود به انجام می‌رسد. مدیریت سود از این جهت که می‌تواند در تهیه گزارش از عملکرد شرکت اعمال نفوذ کند و نتایج مورد نظر خود را منعکس کند، مورد توجه قرار گرفته است (بلکویی، ۱۳۸۱).

محافظه کاری حساب‌برسان، از موضوعات مهمی است که به عنوان یک چالش در گزارشگری مالی و بازار سرمایه، هنوز حل نشده باقی مانده است. به دنبال افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه کاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، سودمندی محافظه کاری به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت‌های مالی مورد تایید قرار می‌گیرد (آقاییک زاده و همکاران، ۱۳۹۶). محافظه کاری یعنی اینکه حساب‌برسان باید از بین ارزش‌های ممکن برای دارایی‌ها، کمترین و برای بدهی‌ها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر (بلک و همکاران، ۲۰۱۷).

کیفیت حساب‌برس یا حساب‌برسی به طور ذاتی غیر قابل مشاهده است. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که ارزیابی کیفیت حساب‌برس مشکل و هزینه بر است. حساب‌برسان بزرگ به دلیل شهرت بالا و تعداد مشتریان زیاد به احتمال بیشتری استقلال خود را حفظ می‌کنند. براساس دیدگاه دی آنجلو تحقیقات زیادی اندازه حساب‌برس را بعنوان نماینده ای از کیفیت حساب‌برس مورد مطالعه قرار داده اند (دالتون و دیگران^۲، ۲۰۱۶). از طرف دیگر هنوز برای صاحبکاران مشخص نیست که کدام حساب‌برس، متخصص کدام صنعت هست. هر چند اخیراً پژوهش‌هایی اثر حساب‌برس متخصص صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران را بررسی کرده‌اند. هنوز اطمینان خاطر وجود ندارد که آیا حساب‌برسان ایرانی می‌توانند در صنعتی متخصص شوند، زمانیکه تقاضای مناسبی برای حساب‌برس با کیفیت در کشور وجود ندارد (کاهکش و جهانبخش، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، موضوع رتبه بندی موسسات حساب‌برسی در ایران مطرح شد. براین اساس، سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه اول، دوم، سوم و چهارم دسته بندی کرد. طبق این رتبه بندی موسسات گروه اول به احتمال زیاد باید کیفیت حساب‌برسی بالاتری نسبت حساب‌برسان معتمد سایر گروه‌ها داشته باشند. بنابراین حساب‌برسی صاحبکاران بزرگ به موسسات حساب‌برسی معتمد گروه اول محول شده است (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). در واقع می‌توان گفت که در نبود هیچ معیاری برای کیفیت حساب‌برس در ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار رتبه بندی را معیاری برای تمایز کیفیت حساب‌برسان در کشور مطرح کرده است. اما اینکه واقعا موسسات حساب‌برسی معتمد گروه اول کیفیت حساب‌برسی بالاتری نسبت به موسسات حساب‌برسی معتمد سایر گروه‌ها دارند یک سوال پژوهشی که بنظر می‌رسد هنوز پاسخی به آن داده نشده است (یگانه و آذینفر، ۱۳۹۲). با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، می‌توان پیش بینی کرد که موسسات حساب‌برسی معتمد گروه اول باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حساب‌برسی) با تجربه و کافی، سیستم کنترل کیفیت مناسب، تعداد مشتریان زیاد و استقلال بیشتری داشته باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش‌های قبلی، حساب‌برسانی که چنین خصوصیتی دارند به احتمال زیاد می‌توانند حساب‌برسی با کیفیتی داشته باشند (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که تاثیر محافظه کاری حساب‌برس و رتبه بندی موسسات حساب‌برسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی چگونه است؟

¹ Ghosh & Olsen

² Dalton et al

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت سود

رسوایی اخیر در انرون و ورلدکام^۱ و شرکت های دیگر این احساس عمومی را در جامعه ایجاد کرد که مدیریت سود اعمال شده توسط مدیران شرکت ها در اکثر مواقع به صورت فرصت طلبانه است، تا بتوانند از این نوع مدیریت سود حداکثر منفعت شخصی را ببرند و کمتر به منافع سهامداران توجه دارند. با قوت گرفتن این ذهنیت در جامعه که در اکثر مواقع مدیریت سود منفی صورت می گیرد، اخیراً قانون گذاران در تعدادی از قوانین مدیریتی برای مقابله با مدیریت سود فرصت طلبانه تجدید نظر کرده اند و مثلاً قانونی وضع کرده اند که اعضای مشخص هیئت مدیره شرکت ها، بایستی مهارت مالی داشته باشند. در عین حال، تعدادی از محققان با مطالعات علمی که انجام داده اند، ادعا دارند که مدیریت سود ممکن بصورت کارآمد (سودمندانه) باشد. زیرا آن ها بطور بالقوه اطلاعات سودمند راجع به سود را افزایش می دهند (جیرپورن و دیگران، ۲۰۰۸). جونز و مارشال^۲ (۲۰۰۱) تعریف جامعی در خصوص مدیریت سود ارائه نموده اند. به عقیده آن ها مدیریت سود (دست کاری سود) زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت (تشخیص) در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت با تحت تأثیر قراردادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کنند.

محافظه کاری حسابرسی

با گذشت زمان و توسعه دیدگاه های نظری منطبق با تغییرات محیطی و آثار بیرونی، به موضوع فشار روانی به صورت جدی تر توجه شد تا جایی که از آن به عنوان پیامدی منفی بر عملکرد حرفه ای فرد یاد کردند، در واقع، چنین بیان می شود که فشار شغلی تجربه ای بسیار پیچیده برای فرد است که می تواند زیان آور باشد و ناشی از علل و ویژگی های درونی و بیرونی است؛ با این وجود، این فشار روانی در بعضی مواقع لازم است حال بر اساس این نتایج به لحاظ کار حسابرسی، انتظارات شغلی حسابرسان (عوامل ایجاد کننده فشار) شامل چندین جنبه از جمله فشار زمان، حجم کار، کنترل هزینه، ارزیابی عملکرد نسبت به مسئولیت ها و وجود انتظارات اجتماعی است. همچنین باید اشاره کرد که زمانی که حسابرسان تحت افزایش مهلت تحمیلی فشار مشتری نظیر فشار زمانی هستند کیفیت حسابرسی کاهش پیدا می کند. این تأثیر منفی حتی در میان حسابرسانی که منابع بیشتر را در اختیار خود دارند باقی می ماند. حسابرسان رویه ها را در نزدیکی مهلت مورد نیاز (با توسعه یافته) تشکیل پرونده تکمیل می کنند که این امر ممکن است کیفیت حسابرسی را برای پاسخگویی به گزارش مورد نیاز به خطر بیندازد (عبدو الطیف وهمکاران، ۲۰۱۵).

رتبه بندی شرکت های حسابرسی

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است. در ایران موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی از سال ۱۳۸۳ مطرح گردید. اساس ارائه این بحث این چنین بود که موسسه های حسابرسی فعال در ایران در اجرای کنترل کیفیت مربوط به خدمات حسابرسی بطور یکسان عمل نمی کنند، و طرح متمایز کردن موسسات حسابرسی بزرگ و کوچک را مطرح شد. در ادامه افزودند که حسابرسی شرکت های بزرگی بوسیله موسسات حسابرسی با حجم فعالیت و تعداد کارکنان بیشتر و در واقع موسسات حسابرسی بزرگتر واگذار گردد. پس از برگزاری جلسات متعدد در این خصوص، گزارش مکتوبی به

¹ Enron & Worldcom

² Jones & Marshal

سرپرست وقت شورای عالی جامعه حسابداران ارائه گردید. در این خصوص تحقیقاتی در رابطه با موسسات حسابرسی بزرگ دنیا و بورس آمریکا و سازمان نظارت بر شرکت های عمومی انجام گردید که نتیجه آن عدم رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی بورس و رتبه بندی بر اساس کنترل کیفیت اعلام گردید. رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی خبرنگار بین المللی حسابرسی و یا وب سایت های معتبر بین المللی حسابداری انجام می گیرد. همچون رتبه بندی که در سال ۲۰۰۹ به وسیله خبرنگار بین المللی حسابداری اعلام شد و در آن موسسات حسابرسی فعال در کشور انگلستان از لحاظ میزان درآمد در آن سال رتبه بندی شد (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).

علاوه بر رتبه بندی بر اساس درآمد، مجلات، بولتن ها و سایر مراکز معتبر رتبه بندی، رتبه بندی موسسات حسابرسی و سایر نهادها بر طبق سایر مواردی همچون تعداد اعضا، دانشجویان شاغل در موسسات حسابرسی و در دیگر نهادها تعداد اعضای انجمن های حرفه ای جهان و شاغل در انجمن حسابداران کشورهای مختلف و سایر موارد این چنینی را انجام می دهند و تنها محدود به رتبه بندی موسسات حسابرسی نمی باشند (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).

برخی از حسابرسان معتقدند چنانچه در آمد موسسات حسابرسی، معیار رتبه بندی قرار گیرد، ممکن است صاحبکاران نسبت به انتخاب حسابرسانی اقدام کنند که کار با کیفیت ارائه نمایند، در پاسخ به این دسته از حسابرسان باید گفت که نمی توان اراده و حق صاحبکار را برای انتخاب حسابرس نقض کرد. به نظر نمی رسد که همه صاحبکاران به دنبال این اندیشه باشند که حسابرسان بدون کیفیت انتخاب کنند مگر اینکه کسانی باشند که چون صرف خود را با کیفیت می دانند عدم انتخاب خود را مستمسک این موضوع قرار دهند. در واقع حسابرسان نیز شبیه به همه خدمات و کالاهای دیگر چنانچه کیفیت و برتری خاصی داشته باشند حتما و الزاما مورد توجه عده ای از مشتریان قرار خواهند گرفت و به مصداق گل آن است که دیگران بگویند بازار سرمایه و بازار حسابرسی، نهایتا به موسسات با کیفیت خوب روی خواهد آورد (دوانی، ۱۳۸۵).

عامل رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران موجب ایجاد تفاوت فاحش در عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی نسبت به کشورهای دیگر شده است. زیرا رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران به عواملی همچون ارزیابی شرکا، ارزیابی کارکنان موسسه حسابرسی، ارزیابی ساختار و سازمان موسسه، ارزیابی تنوع ارائه خدمات و موقعیت موسسات حسابرسی در بازار حرفه ای و نهایتا ارزیابی کیفیت خدمات است. این در حالی است که موسسات حسابرسی در سایر کشورها برای ارائه خدمات حسابرسی به شرکت های بزرگ بورسی از سوی نهادهایی همچون حسابداران رسمی و بورس و اوراق بهادار رتبه بندی نمی شوند. رتبه بندی موسسات حسابرسی در خارج از ایران از سوی نشریه ها، مجلات و بولتن های معتبر حسابداری و مالی صورت می گیرد که موسسات حسابرسی را بر اساس درآمدهای اعلام شده از سوی ایشان در طی یک سال رتبه بندی می نمایند (مهربان پور و بطهائی پور، ۱۳۹۳).

الشافیه (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی خصوصیات پیگیری محافظه کاری حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که بین محافظه کاری حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی وجود دارد یعنی با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، محافظه کاری حسابرس کاهش می یابد. و نیز نشان داد که ریسک سیستماتیک بر محافظه کاری حسابرس تاثیر منفی دارد.

تامی (۲۰۱۷) تاثیر اقلام تعهدی غیرعادی و ارائه بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی را بر محافظه کاری ۴ موسسه بزرگ حسابرسی ژاپنی بررسی نموده اند. ایشان در این تحقیق، از طریق اقلام تعهدی غیرعادی محافظه کاری ۴ موسسه بزرگ حسابرسی ژاپن را از دو منظر بررسی نموده اند او از منظر عکس العمل حسابرسان به مدیریت سود مشتری و دوم از دیدگاه ذینفعان برای ارائه بند تداوم فعالیت. نتایج تحقیق نشان می دهد ۴ موسسه بزرگ حسابرسی ژاپن در کاهش مدیریت سود مشتریان موثراند و ۴ موسسه بزرگ حسابرسی ژاپن سطح اهمیت پایینی برای ارائه بند تداوم فعالیت دارند.

چن و همکاران (۲۰۱۵) رابطه بین اندازه حسابرِس و مدیریت سود در چین را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که مدیریت سود برای مشتریان هشت موسسه حسابرِسی بزرگ چین کمتر است.

لی و لاینگ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه دوره تصدی حسابرِس و رتبه حسابرِس با کیفیت حسابرِس پرداختند. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا طول دوره تصدی و رتبه بندی حسابرِس بر کیفیت حسابرِس تاثیر می گذارد؟ تنها متغیر موثر بر متغیر کیفیت حسابرِس متغیر کنترلی اظهار نظر سال قبل می باشد می توان چنین نتیجه گرفت که شرکتها در عملکرد مالی و رعایت استاندارد یک ثبات رویه برخوردار هستند. کین لای و دیگران^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی که تحت حسابرِسی مؤسسات بزرگ حسابرِسی شده اند اقلام تعهدی کمتری نسبت به بقیه شرکت ها نشان می دهند و این به خاطر شناخته شده تر بودن و معتبر بودن نام تجاری آن است.

رستمی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه اقلام تعهدی اختیاری و محافظه کاری حسابداری در بازار سرمایه ایران پرداخته اند. نتایج حاکی از آن بود که اقلام تعهدی اختیاری با محافظه کاری حسابداری رابطه معناداری دارد. از سوی دیگر، بررسی های انجام گرفته در این مطالعه، حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین اقلام تعهدی غیراختیاری و محافظه کاری حسابداری است؛ لذا می توان بیان نمود که اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری به یک اندازه محافظه کاری را تبیین نمی کنند.

صلاحی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه ی بین رتبه مؤسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و حق الزحمه حسابرِسی پرداختند. یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در زمینه حسابرِسی و اعتبار بخشی به صورت های مالی، بحث کیفیت کار حسابرِسی و به دنبال آن تعیین حق الزحمه حسابرسان است. سازمان بورس و اوراق بهادار مؤسسات حسابرِسی معتمد را به چهار طبقه اول، دوم، سوم و چهارم رتبه بندی کرده است و این رتبه بندی مؤسسات حسابرِسی بیانگر آن است که کیفیت کار مؤسسات طبقه اول نسبت به سایر طبقات بالاتر است. با این وجود پژوهش های قبلی انجام شده در زمینه کیفیت کار حسابرسان بر مبنای این رتبه بندی بیان گر آن است که کیفیت کار حسابرسان طبقه اول بالاتر از سایر طبقات نیست.

ترشیزی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی رتبه بندی مؤسسات حسابرِسی و اثرات آن پرداختند. حسابرسان مستقل اعتبار صورت های مالی را افزایش می دهند و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را کاهش میدهد. به طور معمول کیفیت حسابرِسی متناسب با اندازه ی شرکت حسابرِسی در نظر گرفته می شود. شرکت های حسابرِسی بزرگ باید از درجه استقلال بالاتری برخوردار باشند و هم چنین دارای تخصص و منابع کافی باشند که بتوانند کیفیت بالاتری از خدمات حسابرِسی ارائه نمایند. در این پژوهش مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون تاثیر اندازه حسابرِس بر کیفیت و استقلال حسابرِس انجام شده است. همچنین تحقیقات انجام شده پیرامون ادغام مؤسسات حسابرِسی و مزایای ادغام مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج تحقیقات بیانگر این بود که مؤسسات حسابرِسی بزرگ کیفیت حسابرِسی صورت های مالی را افزایش می دهند و ادغام مؤسسات حسابرِسی مزایایی مانند قدرت تمرکز بالا، افزایش کارایی و کاهش هزینه ها را در پی دارد.

رضایی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین رتبه مؤسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرِسی پرداخت. در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری شده براساس مدل های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) به عنوان معیارهای کیفیت حسابرِسی بکار برده شده اند. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون خطی چندگانه نشان می دهد که سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران مؤسسات خصوصی معتمد

¹ Kin Lo et al

طبقه اول کمتر از سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران موسسات معتمد سایر طبقات نیست. به عبارت دیگر کیفیت حسابداری موسسات حسابداری خصوصی معتمد طبقه اول بالاتر از کیفیت حسابداری موسسات معتمد سایر طبقات نیست. نتایج این پژوهش با انجام چندین آزمون حساسیت پشتیبانی شده است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: محافظه کاری حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاثیر دارد.
فرضیه دوم: رتبه بندی موسسات حسابداری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاثیر دارد.

مدلهای رگرسیونی برای فرضیه های پژوهش

مدل اول:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Acon_{it} + \beta_2 lev_{it} + \beta_3 Inow_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل دوم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Rating_{it} + \beta_2 lev_{it} + \beta_3 Inow_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: مدیریت سود تعهدی (EM)

در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری، به منزله شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی به کار رفته است. سطح عادی اقلام تعهدی کل بر اساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) و بر اساس رابطه زیر به دست می آید:

$$\frac{Accruals_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{TA_{it}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$Accruals_{it}$: سود قبل از کسر بهره و مالیات منهای جریان نقد عملیاتی در سال t

$A_{i,t-1}$: جمع دارایی های شرکت شرکت i در سال $t-1$

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

PPE_{it} : مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت

رابطه فوق با استفاده از داده های ترکیبی برآورد می شود و از باقی مانده برآورد شده مدل قدرمطلق گرفته به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل

۱. محافظه کاری حسابرس (Acon)

در این مقاله برای اندازه گیری متغیر محافظه کاری حسابداری با استفاده از مدل ایترجی و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شده است که با یک مدل رگرسیون چند متغیره با بررسی عوامل مؤثر بر حسابرس اقدام به اندازه گیری محافظه کاری حسابداری کرده اند و این معیار در تحقیق چان لی و همکاران (۲۰۱۷) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مدل مذکور به شرح زیر است:

$$\ln \text{AUDITFEE} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lnsiz} + \beta_2 \text{Loss} + \beta_3 \text{Cratio} + \beta_4 \text{Z_Score} + \beta_5 \text{CFO} + \beta_6 \text{Growth} + \beta_7 \text{Weak} \\ + \beta_8 \text{Restate} + \beta_9 \text{Big} + \beta_{10} \text{AudChg} + \beta_{11} \text{AComp} + 12 \text{Industry Dummies} + \varepsilon$$

در مدل مذکور

Lnsiz (اندازه شرکت): اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت، محاسبه می‌شود.

Loss (زیان شرکت): در صورتی که شرکت در سال موردنظر زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد.

Cratio (نسبت جاری): نسبت جاری برابر با دارایی‌های جاری (ACT) تقسیم بر بدهی‌های جاری (LCT) در سال t است.

Z_Score (محافظة کاری مشروط) برای محاسبه محافظه کاری حسابداری ابتدا معادله زیر از طریق رگرسیون مقطعی سالانه تخمین زده می‌شود.

$$\text{EARN}_{it} = \beta_{1,t} + \beta_{2,t} \text{NEG}_{i,t} + \text{RET}_{i,t} (\mu_{1,t} + \mu_{2,t} \text{SIZE}_{i,t} + \mu_{3,t} \text{MTB}_{i,t} + \mu_{4,t} \text{LEV}_{i,t}) + \text{NEG}_{i,t} \\ \times \text{RET}_{i,t} (\lambda_{1,t} + \lambda_{2,t} \text{SIZE}_{i,t} + \lambda_{3,t} \text{MTB}_{i,t} + \lambda_{4,t} \text{LEV}_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب که از معادله بالا تخمین زده شد برای محاسبه Z Score هر سال شرکت از طریق معادله زیر استفاده گردید:

$$\text{Z - SCORE}_{i,t} = \lambda_{1,t} + \lambda_{2,t} \text{SIZE}_{i,t} + \lambda_{3,t} \text{MTB}_{i,t} + \lambda_{4,t} \text{LEV}_{i,t}$$

EARN: سود قبل از بهره و مالیات بر ارزش بازار سرمایه در ابتدای سال

RET: بازده سالانه سهام

بازده سهام شرکت i در سال k، که از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$R_{i,t} = \frac{(1 + \alpha + \beta) * (P_{i,t} + \text{DPS}) - P_{i,t-1} - \alpha (1000)}{P_{i,t-1} + \alpha (1000)}$$

که در آن؛

R_{i,t}: بازده سهام شرکت i در سال t،
P_{i,t}: قیمت سهام پایان سال شرکت i در سال t،

α: درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی،

β: درصد افزایش سرمایه از محل سود انباشته، اندوخته‌ها،

P_{i,t-1}: قیمت سهام ابتدای سال شرکت i در سال t،

DPS_{i,t}: سود نقدی هر سهم شرکت i در سال t.

NEG: اگر بازده سالانه سهام صفر یا منفی باشد مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

SIZE: لگاریتم طبیعی دارایی‌ها

LEV: نسبت بدهی به ارزش دارایی‌ها

M/B: ارزش بازار بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

CFO (جریان وجوه نقد): جریانات ورودی نقدی (OANCF) در سال بر مجموع دارایی (AT)

بر اساس مدل مذکور، جریان‌های نقدی آزاد از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$\text{CFO}_{it} = (\text{INC}_{it} - \text{TAX}_{it} - \text{INTEP}_{it} - \text{PSDIV}_{it} - \text{CSDIV}_{it}) / A_{it-1}$$

که در آن:

CFO: جریان های نقدی آزاد شرکت i در سال t

INC: سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در سال t

TAX: کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t

INTEP: هزینه بهره پرداختی شرکت i در سال t

PSDIV: سود سهامداران ممتاز پرداختی شرکت i در سال t . (که در ایران وجود ندارد)

CSDIV: سود سهامداران عادی پرداختی شرکت i در سال t

A_{it-1} : کل ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال $t-1$

Growth (رشد فروش): از تفاوت فروش دوره جاری با دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل به دست می آید.

Weak (ضعف کنترل داخلی): اگر در گزارش حسابرسی برای شرکت موردنظر ضعف کنترل داخلی نشان داده شود عدد

یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می شود

Resate (تجدید ارائه صورتهای مالی): اگر شرکت در سال مالی تجدید ارائه صورت مالی داشته باشد عدد یک و در غیر

این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می شود.

Big (نوع حسابرسی): نوع حسابرسی یک متغیر موهومی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار

گرفته باشد، متغیر مصنوعی عدد یک و در غیر این صورت اگر توسط سایر مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی،

حسابرسی شود متغیر مصنوعی عدد صفر را می پذیرد.

AudChg (تغییر حسابرسی): در صورتی که شرکت حسابرسی را در سال مالی مورد نظر تغییر دهد، برابر است یک، در غیر

این صورت صفر است.

Comp (رقابت در بازار حسابرسی): برای اندازه گیری رقابت در بازار حسابرسی از شاخص هرفیندال - هیرشمن استفاده

شده است. این شاخص از جمله مهم ترین شاخص های سنجش تمرکز موجود در یک صنعت و درجه رقابت بازار

می باشد. این شاخص از طریق مجذور نسبت فروش شرکت به کل فروش صنعت که شرکت مربوط به آن می باشد، به

دست می آید:

$$HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2$$

که در آن HHI شاخص هرفیندال هیرشمن، k تعداد بنگاه های فعال در بازار و S_i سهم بازار شرکت i ام است که از

رابطه زیر به دست می آید:

$$S_i = X_j / \sum_{j=1}^n X_j$$

که در آن X_j نشان دهنده فروش شرکت j ام و l نشان دهنده نوع صنعت است. شاخص هرفیندال هیرشمن، میزان

تمرکز صنعت را اندازه گیری می کند. هر چه این شاخص بزرگتر باشد، میزان تمرکز بیشتر بوده و رقابت کمتری در

صنعت وجود دارد و بالعکس.

Industry Dummies (نوع صنعت): در پژوهش حاضر به تبعیت از الشافیه (۲۰۱۸)، شرکت های نمونه که در صنایع

استخراج معادن، نفت، فلزات، پتروشیمی و شیمیایی، چوب، کاغذ و کارتن بودند به عنوان شرکت های موجود در صنایع

حساس در نظر گرفته شدند و عدد یک اختیار کرده و بقیه شرکت های نمونه که جزء این صنایع نبودند به عنوان شرکت

های موجود در صنایع غیر حساس طبقه بندی شده و عدد صفر اختیار می کنند. مقدار خطای حاصل از مدل نشانگر

محافظه کاری حسابرسی می باشد بدین منظور که در صورت مثبت بودن مقدار این متغیر یعنی محافظه کاری حسابرسی وجود دارد و عدد یک برای این متغیر اختصاص داده می شود در غیر این صورت مقدار این متغیر صفر لحاظ شده است.

۲. رتبه بندی موسسات حسابرسی (Rat)

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است. رتبه بندی شرکت های حسابرسی یک متغیر ساختگی است بطوریکه اگر حسابرسی جزو ۱۹ موسسه حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (متعلق به طبقه اول) باشد مساوی یک، و برای سایر موسسات حسابرسی معتمد عدد صفر خواهد گرفت.

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی (lev): اهرم عبارت است از وجود هزینه های ثابت در فهرست هزینه های شرکت می باشد. منظور از اهرم مالی میزان بدهی های شرکتها است. در این تحقیق، از نسبت کل بدهی به کل دارایی به عنوان شاخص اهرم مالی استفاده می شود.

سن شرکت (Age): از طریق لگاریتم طبیعی عمر شرکت (اختلاف زمانی بین سال تاسیس شرکت و سال مورد نظر) اندازه گیری شده است.

مالکان نهادی (Inow): مالکان نهادی بخاطر توانایی های فنی و مالی، منابع قابل ملاحظه ای را برای کنترل شرکت تخصیص می دهند و از نظرات کارشناسان خبره مالی برای اداره شرکت استفاده می کنند. بوش (۱۹۹۸) نشان می دهد که مالکیت نهادی یکی از سازوکارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی است. سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه گذاری و .. هستند که از طریق جمع آوری اطلاعات و ارزیابی تصمیمات مدیریت بطور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به طور صریح، بر شرکت نظارت می کنند. مگ (۱۹۹۸) نشان داد که نظارت بر شرکت توسط سرمایه گذاران نهادی می تواند مدیران را وادار به تاکید بیشتر بر عملکرد شرکت و کاهش رفتار فرصت طلبانه یا خویشتن طلبانه کند. طبق بند ۲۷ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران سرمایه گذاران نهادی عبارتند از: بانکها و بیمهها، هلدینگها، شرکتهای سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق های سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار. نحوه محاسبه آن، درصد سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران نهادی می باشد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده ها از محیطی که به گونه ای طبیعی وجود داشته اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است، جمع آوری و تجزیه و تحلیل می شود. در این تحقیق برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور تحلیل داده های بدست آمده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف داده ها از جدول توزیع فراوانی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه های پژوهش از آزمونهای اف لیمر، هاسمن استفاده می شود.

برای اجرای هر پژوهش لازم است جامعه آماری مشخص و معین شود. برای انتخاب جامعه آماری به کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است چون اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکتها از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است و دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکتها راحت تر است. بنابراین، جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره مورد بررسی نیز سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می باشد و شرکت هایی که دارای ویژگی های زیر بوده، به عنوان نمونه انتخاب شده اند:

- ۱- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکتها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۲- شرکت های مورد نظر جزو بانکها و واسطه گری مالی، لیزینگ، هلدینگ و سرمایه گذاری به علت ماهیت و نوع فعالیت این گروه از شرکتها متفاوت است، نباشند.
 - ۳- شرکتها نایبستی سال مالی خود را در طی دوره های مورد نظر تغییر داده باشد.
 - ۴- اطلاعات مالی شرکت های مورد بررسی به منظور استخراج داده های مورد نیاز در دسترس باشد.
 - ۵- شرکت های مورد بررسی در بازه زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشد.
- در این پژوهش با اعمال محدودیتهای فوق ۱۱۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

یافته های پژوهش

جدول (۱)، آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میانۀ	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
مدیریت سود تعهدی	EMA	۵۸۵	۰,۱۸۶	۰,۱۶۷	۰,۹۴۱	۰,۰۰۰۳	۰,۱۰۶
اهرم مالی	Lev	۵۸۵	۰,۵۹۸	۰,۵۸۵	۱,۱۳۲	۰,۰۸	۰,۱۹۳
مالکان نهادی	Inst	۵۸۵	۰,۷۴۱	۰,۷۷	۰,۹۶	۰,۱۳	۰,۱۷۴
سن شرکت	Age	۵۸۵	۳,۱۱۰	۳,۰۴۴	۴,۱۱	۱,۹۴۵	۰,۵۱۳

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر مدیریت سود تعهدی برابر با (۰,۱۸۶) می باشد و برای اهرم مالی برابر با ۰,۵۹ می باشد. یعنی در شرکت های نمونه به طور میانگین ۵۹ درصد دارایی ها از تامین مالی از طریق بدهی ها تشکیل شده است. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای سن شرکت برابر با ۰,۵۱۳ و برای مدیریت سود تعهدی برابر است با ۰,۱۰۶ می باشد که نشان می دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می دهد. به عنوان مثال بزرگ ترین مقدار اهرم مالی برابر با ۱,۱۳۲ است. متغیرهای رتبه بندی موسسات حسابرسی و محافظه کاری حسابرس متغیر کیفی می باشند که جدول توزیع فراوانی این متغیر در جداول ۲ و ۳ ارائه می شود.

جدول (۲): توزیع فراوانی متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی

عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت های حسابرسی شده توسط مؤسسات رتبه الف	۴۱۴	۷۰,۷۶
شرکت های حسابرسی شده توسط سایر مؤسسات حسابرسی	۱۷۱	۲۹,۲۴
جمع	۵۸۵	۱۰۰

همانطور که طبق جدول ۲ قابل مشاهده است از ۵۸۵ شرکت - سال، صورت های مالی تعداد ۱۷۱ شرکت - سال توسط سایر موسسات حسابرسی و ۵۱۴ شرکت - سال توسط موسسات رتبه الف، حسابرسی شده است.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیر محافظه کاری حسابرسی

عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
۱	۴۲۰	۷۱,۷۹
۰	۱۶۵	۲۸,۲۱
جمع	۵۸۵	۱۰۰

همانطور که طبق جدول ۳ قابل مشاهده است از ۵۸۵ شرکت - سال، حسابرسیان تعداد ۴۲۰ شرکت - سال محافظه کاری حسابرسی داشته اند و ۱۶۵ شرکت - سال معادل ۲۸,۲۱ درصد آن ها محافظه کاری حسابرسی نداشته اند.

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصاد سنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده های پانل، می توان از آزمون لوین لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به صورت جدول ۴ عرضه می گردد.

جدول (۴): نتایج آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدیریت سود تعهدی	EMA	-۱۳,۰۷۸۴	۰,۰۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	Lev	-۶,۹۳۴۸	۰,۰۰۰۰	مانا است
مالکان نهادی	Inst	-۱۰,۴۰۰۲	۰,۰۰۰۰	مانا است
سن شرکت	Age	-۱۶,۷۱۷۴	۰,۰۰۰۰	مانا است

با توجه به جدول ۴ مشاهده می شود که سطح معنی داری متغیرها در آزمون مانایی همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو)

این آزمون برای تشخیص بین الگوهای اثرات معمولی (pool) و داده های تابلویی (panel) صورت می گیرد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر برای مدل پژوهش بدین شرح می باشد:

جدول (۵): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۳,۱۳	۰,۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده های تابلویی
فرضیه دوم	۳,۱۴	۰,۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده های تابلویی

نتایج حاصل در جدول ۵ نشان می دهد که سطح معناداری آزمون برای هر دو مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده های تابلویی (پانل) می باشد.

آزمون هاسمن

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد ساختار داده‌ای panel انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۳,۷۵	۰,۴۴۰۳	اثرات تصادفی عرض از مبدأ
فرضیه دوم	۰,۶۳	۰,۹۵۹۴	اثرات تصادفی عرض از مبدأ

نتایج حاصل در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون در مدلها بیشتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات تصادفی می‌باشد.

نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد: محافظه کاری حسابرس بر مدیریت سود تعهدی تاثیر دارد.

جدول (۷): نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی							
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	هم خطی	
محافظه کاری حسابرس	Acon _{it}	۰,۰۰۱۹	۰,۰۰۶۷	۰,۲۹	۰,۷۷۶	۱,۰۰	
اهرم مالی	lev _{it}	-۰,۰۴۸	۰,۰۲۷	-۱,۷۴	۰,۰۸۲	۱,۰۱	
مالکان نهادی	Inst _{it}	-۰,۰۴۲	۰,۰۴۶	-۰,۹۲	۰,۳۵۷	۱,۰۱	
سن شرکت	Age _{it}	۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۵۲	۰,۱۱	۰,۹۱۴	۱,۰۰	
C		۰,۱۸۲	۰,۰۵۱	۳,۵۷	۰,۰۰۰		
ضریب تعیین		۲۱ درصد					
آماره والد		۲۱۲,۲۴					
سطح معناداری		۰,۰۰۰۰					
آزمون خود همبستگی سریالی		۰,۰۰۰۰					

با توجه به جدول ۷، مشاهده می‌شود که متغیر محافظه کاری حسابرس دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت محافظه کاری حسابرس بر مدیریت سود تعهدی تاثیر ندارد و فرضیه اول پژوهش پذیرفته نمی‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی، مالکان نهادی و سن شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشند بنابراین رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین برابر با ۲۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۲۱۲,۲۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی کمتر از ۵ درصد (۰,۰۰۰۰) است که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل همبستگی وجود دارد که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد: رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر دارد.

جدول (۸): نتیجه آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
رتبه بندی موسسات حسابرسی	Rating _{it}	-۰,۰۲۵	۰,۰۱۲	-۲,۰۸	۰,۰۳۷
اهرم مالی	lev _{it}	-۰,۰۰۸۹	۰,۰۱۶۳	-۰,۵۵	۰,۵۸۴
مالکان نهادی	Inst _{it}	-۰,۰۳۶۶	۰,۰۲۶۰	-۱,۴۱	۰,۱۶۰
سن شرکت	Age _{it}	۰,۰۰۴۰	۰,۰۰۷۱	۰,۵۷	۰,۵۶۹
C		۰,۱۶۷	۰,۰۲۹۴	۵,۷۰	۰,۰۰۰
ضریب تعیین				۲۳ درصد	
آماره والد				۲۳۴,۷۶	
سطح معناداری				۰,۰۰۰	
آزمون خود همبستگی سریالی				۰,۰۰۱۹	

با توجه به جدول ۸، مشاهده می‌شود که متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی می‌باشد بنابراین می‌توان گفت درصد بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاثیر معکوس و معنادار دارد و فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیرهای کنترلی اهرم مالی، مالکان نهادی و سن شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشند بنابراین رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین برابر با ۲۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۲۳۴,۷۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی کمتر از ۵ درصد (۰,۰۰۱۹) است که نشان می‌دهد بین خطاهای مدل همبستگی وجود دارد که این مشکل در تخمین نهایی مدل ها با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی تاثیر محافظه کاری حسابرسی و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۱۷ شرکت و در بازه زمانی ۵ ساله بین سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. دو فرضیه در این پژوهش مطرح گردید که پس از بررسی و آزمون‌های مربوط به فرضیه مشخص گردید که رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معکوس و معنادار دارد. بدین معنی که در شرکتهایی که در بورس فعالیت دارند اگر حسابرسی صورت های مالی توسط موسسات رتبه الف انجام پذیرد منجر به کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌شود. یعنی حسابرسی موسسات رتبه برتر بر کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاثیر دارد. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر مدل های اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی انجام شده و نتایج مقایسه گردد و همچنین می‌توان پژوهش حاضر را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام داده و با نتایج این پژوهش مقایسه کرد و نیز می‌تواند پژوهش حاضر را به تفکیک صنایع مختلف انجام داده و نتایج را مقایسه کرد. با توجه به این نتیجه به شرکت ها توصیه می‌شود برای انجام حسابرسی صورت های مالی با موسسات رتبه الف

قرارداد ببندند و به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود در شرکت هایی سرمایه گذاری کنند که حسابرس صورتهای مالی توسط موسسه های رتبه الف حسابرسی انجام می شود چون در این شرکت مدیران مدیریت سود تعهدی پایین تری دارند. در مورد تاثیر محافظه کاری حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر معناداری یافت نشد.

منابع

- ✓ آقاییک زاده، مهدی، فروغی، داریوش، دستگیر، محسن، (۱۳۹۶)، تاثیر محافظه کاری و تاخیر در افشای اخبار همزمان سودهای میان دوره ای و پیش بینی سودهای سالانه بر واکنش بازار سهام، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۲، ۱۷۳-۱۹۶.
- ✓ امانی، علی، دوانی، غلام حسین، (۱۳۸۹)، فساد، تقلب، پولشویی و وظیفه ی حسابرسان، حسابدار رسمی، شماره ۱۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۹۸)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۳-۹۶.
- ✓ کاهکش، علی محمد، اسدینا، جهانبخش، (۱۳۹۵)، تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- ✓ مهربان پور، محمدرضا، بطهائی پور، سید علی اکبر، (۱۳۹۳)، تاثیر کیفیت و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر انتخاب حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری.
- ✓ محمدرضائی، فخرالدین، محمدرضائی، مهدی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱-۱۴.
- ✓ واعظ، سیدعلی، احمدی، وریا، (۱۳۹۳)، تاثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تعداد بند اظهارنظر حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، حسابرسی نظریه و عمل، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱-۲۱.
- ✓ Arya, A., Glover, J., & Sunder, S. (2003), are unmanaged earnings always better for shareholders? Accounting Horizons (Supplement), 17, 111-116.
- ✓ Ball, R. Shivakumar, L. (2006), the role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. Journal of Accounting Research, 44 (2), 207-242.
- ✓ Black, j, Chen, j and Cussatt, M. (2017), The Association between SFAS No. 157 Fair Value Hierarchy Information and Conditional Accounting Conservatism. The Accounting Review In-Press.
- ✓ Bushee, B. J (1998), the Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior, Accounting Review, 7, 305-334.
- ✓ Chen, A.; Peng, N., & Hung, K. (2015), Managing salespeople strategically when promoting new products—Incorporating market orientation into a sales management control framework. Industrial Marketing Management, 47, pp.147-155.
- ✓ Chen, T., J. Harford, and C. Lin. (2015). Do analysts matter for governance? Evidence from natural experiments. Journal of Financial Economics, 115, 383-410.
- ✓ DeAngelo, L. (1981), Additor Size and Addit aaa iity”, Jorr nalñ of Acconntinññ and Economics, ,, PP. ———222.
- ✓ Dechow, P. and Dichev, I. (2002), the Quality of Accruals and Earnings, the Role of Accruals in Estimation Errors. The Accounting Review, 77, 35-59.
- ✓ Ghosh, D., & Olsen, L. (2009), Environmental uncertainty and managers' use of discretionary accruals. Accounting, Organizations and Society, 34 (2), 188-205.

- ✓ Jones, Steward, and Rohit Sharma, (2001), The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia's 'Old' and 'Ne' Economies. *Managerial Finance*, 27, 12, 18-39.
- ✓ Kothari, S. P., A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005), Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of accounting and economics*, 39, 163-197.
- ✓ Louis, H., & Robinson, D. (2005), Do managers credibly use accruals to signal private information? Evidence from the pricing of discretionary accruals around stock splits. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 361-380.
- ✓ Maug, E(1998), Large shareholders as monitors: Is there a trade-off between liquidity and control? *Journal of Finance*, 53, 65-98.

